

واکاوی چشم‌انداز شهرهای جهانی در کشورهای در حال توسعه: از نقد رویکردهای مسلط کنونی تا ارائه چارچوب مفهومی جایگزین

فرشاد نوریان - دانشیار دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
پارسا ارباب - استادیار دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۲۴

چکیده

مقاله حاضر به واکاوی چشم‌انداز شهرهای جهانی در کشورهای در حال توسعه به واسطه تحلیل انتقادی می‌پردازد. حجم عمده ادبیات و الگو یا الگوهای موجود شهر جهانی، تلاش می‌کند تا چارچوب‌هایی را که در ارتباط با نمونه‌های نخستین این پدیده ایجاد شدند، برای سنجش شواهد جهانی شدن شهرها در کشورهای در حال توسعه و بررسی وضعیت آنها به کار برد. این در حالی است که موفقیت این شهرها نیز عمدتاً براساس معیارها و سنج‌های غربی، مورد توجه قرار می‌گیرد که اصطلاحاً از این جریان، تسلط و تحکم غربی (انگلیسی-آمریکایی) در حوزه مباحث جهانی شدن و شهر، یاد می‌شود. در مقابل، گروه در حال رشدی از محققان معتقدند، ارتباط میان مفهوم شهر جهانی با موضوعات قدرت، بازیگران و نهادهایی که در سطح جهانی عمل می‌کنند، با اغراق همراه بوده و زمینه و احتمالات محلی، دست‌کم گرفته شده است. بر این اساس، در فرآیند ادراک و تحلیل جهانی شدن شهرها در کشورهای در حال توسعه، مناسب است تا از عمومیت‌هایی مبتنی بر تجربه شهرهای جهانی غرب به سمت الگو یا الگوهای جدید، از طریق اتخاذ رویکردهایی از جمله چارچوب مفهومی جایگزین پیشنهادی، براساس نقش‌ها، موقعیت‌ها و ظرفیت‌های متنوع و در نتیجه ابعاد، آثار و پیامدهای متفاوت، حرکت نمود. در پاسخ به تلقی‌ها و تعابیر فعلی و غالب تئوری شهر جهانی و چالش‌هایی که به کارگیری مطلق آنها پدید می‌آورد، رهیافت مؤثر در زمینه چشم‌انداز شهرهای جهانی در کشورهای در حال توسعه و ارزیابی آن، انجام مطالعات بیشتر در خصوص تعامل میان بازیگران جهانی و محلی بر پایه این چارچوب مفهومی جایگزین به واسطه تجارب، شواهد، قرائن و مصداق‌ها با استناد به یک نمونه یا دسته‌ای از نمونه‌های جدید، مبتنی بر ارزش‌گذاری ویژگی‌ها، اولویت‌ها و تفاوت‌هاست.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، شهرهای جهانی، کشورهای در حال توسعه، تسلط و تحکم غربی (انگلیسی-آمریکایی)، چارچوب مفهومی جایگزین.

۴۳

شماره بیست و دوم

بهار ۱۳۹۶

فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات شهری

واکاوی چشم‌انداز شهرهای جهانی در کشورهای در حال توسعه:
از نقد رویکردهای مسلط کنونی تا ارائه چارچوب مفهومی جایگزین

۱. مقدمه

در دو دهه اخیر، «شهرهای جهانی»^۱ یا «شواهدی از شکل‌گیری شهرهای جهانی»^۲ در کشورهای در حال توسعه ظاهر شده‌اند. جدول شماره ۱ فهرستی از ۳۰ شهر بزرگ خارج از اروپا و آمریکا را نشان می‌دهد که رتبه‌ای در فهرست جهانی دارند. استانبول، بانکوک، بوینس‌آیرس، پکن، تاپیه، جاکارتا، ژوهانسبورگ، شانگهای، کوآلامپور، مانیل و پیش‌تر، سنگاپور، هنگ‌کنگ، ساؤپائولو، سئول و مکزیکوسیتی از این نمونه‌ها هستند. این شهرها به کسب جایگاه جهانی به سبب نقش خود در هماهنگ کردن یکپارچگی اقتصادهای ملی در قالب اقتصاد جهانی و غالباً قرار گرفتن در مرکز «شهرمنطقه‌های جهانی»^۳، گرایش دارند. آنها تبدیل به جایگاهی برای دفاتر مرکزی شرکت‌های تولیدی فراملیتی و مؤسسات خدماتی تولیدی شده‌اند که تولیدات کارخانه‌ای و به طور فزاینده خدمات صادرات محور را در مناطق کلانشهری گسترش یافته خود، هدایت می‌کنند. توجه به نقش این شهرها به عنوان مکان‌ها و مراکز «فرماندهی و کنترل»^۴ و نیز «هماهنگی و هدایت»^۵ جریان‌ها منجر به طرح سئوالاتی در رابطه با مفاهیم و معانی این عملکرد برای توسعه آنها شده است. در این خصوص و در ارتباط با چشم‌انداز شهرهای جهانی در کشورهای در حال توسعه، دو رویکرد و نگرش وجود دارد. دیدگاه نخست که از آن با عنوان «تسلط، چیرگی و تحکم انگلیسی-امریکایی»^۶ تئوری شهر جهانی، تلقی‌ها و تعابیر آن یاد می‌شود، تلاش می‌کند تا چارچوب‌هایی که نخستین بار در غرب و به ویژه آمریکا ایجاد شدند را برای سنجش وضعیت این مناطق، آثار و پیامدها، به ویژه در ارتباط با محورها و موضوعاتی چون نابرابری اجتماعی، توسعه نواحی شهری و ظهور چشم‌انداز مصرفی در زمینه‌های گسترده به کار برد. در این نگاه که بر پایه آن، صحبت از نوعی همگرایی، یکسانی و شباهت است، معیار موفقیت، بررسی و ارزیابی شهرهای جهانی یا در حال جهانی شدن کشورهای در حال توسعه، به طور عمده براساس سنجش‌های غربی مانند ضرورت یکپارچه شدن اقتصاد آنها در شبکه‌های اقتصادی و جریان‌های سرمایه بوده و همواره تأکید بر نقشه، شبکه، نظام یا الگویی بسیار غربی تحت تسلط نخستین شهرهای جهانی چون لندن، نیویورک و پاریس بر مبنای اندازه و شمار شرکت‌های خدماتی تولیدی بین‌المللی است.

دیدگاه مقابل که رویکرد این پژوهش نیز بر آن استوار است، مبتنی بر این پیش فرض می‌باشد که شهرهای جهانی در واقع تجارب متمایزی در رابطه با همگرایی جهانی دارند و ممکن است در زمینه

برخی پارامترها در رابطه با عملکردهای خود در اقتصاد جهانی و نیز توسعه، از هم دور شده و فاصله بگیرند. این گروه در حال رشد با بحث در خصوص ادعای گروه دیگر مبنی بر وجود یک همگرایی از شهرهای جهانی حول الگوی شهرنشینی که از غرب و به ویژه آمریکا سرچشمه می‌گیرد، معتقدند که مفهوم شهر جهانی در زمینه قدرت، بازیگران و نهادهایی که در سطح جهانی عمل می‌کند، با اغراق همراه بوده و زمینه دلالت‌ها و احتمالات محلی را ناچیز یا حداقل دست‌کم گرفته است. از نظر آنها، تأکید بر همگرایی و طرح شبکه‌ای خاص مبتنی بر سنجه یا سنجه‌هایی انحصاری، با لحاظ تنوع و تفاوت‌های معناداری که در علل همگرایی وجود دارد و همچنین منابع بالقوه‌ای از بویایی‌ها و گوناگونی‌های کشف شده یا در حال کشف، مورد مسئله است (Smith, 1996 and 2005; White, 1998; Shatkin, 1998 and 2007; Marcuse and van Kempen, 2000; Smith and Timberlake 2001; Grant and Nijman, 2002; Robinson, 2002; Pizarro, Wei and Banerjee, 2003; Flusty, 2004; Hill, 2004; Olds and Yeung, 2004; Davis, 2005; Lemanski, 2007; Pani, 2009; Otiso et al. 2011; Chubarov and Brooker, 2013; Timberlake et al. 2014).

به همین منظور، مقاله حاضر رهیافت مربوط به چشم‌انداز شهرهای جهانی در کشورهای در حال توسعه و تعدیل چالش یاد شده را در قالب نقد رویکردهای مسلط کنونی در ادبیات جهانی شدن، دنبال کرده و مورد واکاوی قرار می‌دهد. بنابراین ضمن روایت فرآیند جهانی شدن در ادبیات موجود و غالب شهرهای جهانی، نگاه انتقادی نسبت به الگو و یا الگوهای مسلط کنونی از سوی دیدگاه‌ها و پژوهش‌های قابل توجه و در حال رشد، مبنی بر احتمال بی‌ثمر بودن دستیابی به مجموعه‌ای تعمیم‌پذیر از نتایج جامع و جهانی، تعصب حاکم بر ادبیات جهانی شدن و شهرهای جهانی و نیز عدم کفایت تمرکز بر مجموعه‌ای محدود و ابعادی خاص برای تشریح تمامی نتایج، آثار و پیامدهای جهانی شدن و نیز چشم‌انداز شهرهای جهانی در کشورهای در حال توسعه، مورد مذاقه قرار می‌گیرد. این انتقادات در عین حال که تلویحاً رهیافت‌هایی کلیدی به منظور برون‌رفت از چالش‌های مطرح مبنی بر استناد به پیش فرض‌های فعلی و کنونی و کاربست آنها در خصوص چشم‌انداز شهرهای جهانی در کشورهای در حال توسعه را شامل می‌شود، پاسخ‌های روشنی را نیز نتیجه می‌دهد که بر این اساس، شناسایی شده و مورد تبیین قرار می‌گیرند.

۲. رویکرد و روش‌شناسی تحقیق

این مقاله در جایگاه یک پژوهش مروری، اما با نگاه انتقادی و با هدف ارائه چارچوب مفهومی جایگزین به منظور واکاوی چشم‌انداز شهرهای جهانی در کشورهای در حال توسعه است. بر این اساس، مبانی نظری و مرور ادبیات با هدف شکل‌گیری، تدقیق و تمرکز نگاه پژوهش بر جستار و در واقع ناحیه مورد بررسی، مورد تحلیل محتوا و سنتز قرار گرفته است (Creswell, 2009). در این خصوص، «ادبیات جهانی شدن و شهرهای جهانی» محور عام مورد توجه و «شهرهای جهانی یا شواهدی از جهانی

- 1 World/Global Cities
- 2 Evidence of World/Global Cities Formation
- 3 Global City-Regions
- 4 Command and Control
- 5 Coordination and Channeling
- 6 Anglo-American Domination (Hegemony)

در ادبیات موجود از اصطلاح یاد شده، در برخی موارد، با عنوان رویکردها، سنجه‌ها و ساخت‌های غربی (Western) در مقابل غیر غربی (Non-Western) نیز یاد می‌شود.

جدول ۱: شهرهای جهانی یا شواهدی از جهانی شدن شهرها در کشورهای در حال توسعه^۱
(Beaverstock, Taylor, and Smith, 1999; Taylor, 2000; Shatkin, 2007; UN-Habitat, 2013 and 2016)

شهر / کشور	جمعیت (هزار نفر)			شهر / کشور	وضعیت در فهرست شهرهای جهانی	جمعیت (هزار نفر)		
	۱۹۹۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵			۱۹۹۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵
۱ سنگاپور، سنگاپور	۳۴۸۳	۴۸۳۷	۵۶۱۹	۱۶ آلمان، قزاقستان	آلفا	۱۱۰۹	۱۳۸۳	۱۵۲۳
۲ هنگ کنگ، چین	۶۱۴۴	۷۰۶۹	۷۳۱۴	۱۷ بمبئی، هند	آلفا	۱۴۳۱۰	۲۰۰۴۱	۲۱۰۴۳
۳ سائوپائولو، برزیل	۱۵۹۱۳	۲۰۲۶۲	۲۱۰۶۶	۱۸ گوانگ ژو، چین	بتا	۴۷۴۵	۸۸۸۴	۱۲۴۵۸
۴ سئول، کره جنوبی	۱۰۲۴۷	۹۷۷۳	۹۷۷۴	۱۹ هانوی، ویتنام	بتا	۱۳۶۰	۲۸۱۴	۳۶۲۹
۵ مکزیکوسیتی، مکزیک	۱۷۰۱۷	۱۹۴۶۰	۲۰۹۹۹	۲۰ هوشی مین، ویتنام	بتا	۳۶۵۸	۶۱۷۶	۷۲۹۸
۶ استانبول، ترکیه	۷۶۶۵	۱۰۵۲۵	۱۴۱۶۴	۲۱ بوگوتا، کلمبیا	گاما	۵۴۹۴	۸۵۰۰	۹۷۶۵
۷ بانکوک، تایلند	۶۱۰۶	۶۹۷۶	۹۲۷۰	۲۲ تاشکند، ازبکستان	گاما	۲۱۱۶	۲۲۱۰	۲۲۵۱
۸ بوینس آیرس، آرژانتین	۱۱۳۹۰	۱۳۰۷۴	۱۵۱۸۰	۲۳ تهران، ایران	گاما	۶۶۸۷	۷۲۴۱	۸۴۳۲
۹ پکن، چین	۸۳۰۵	۱۲۳۸۵	۲۰۳۸۴	۲۴ دبی، امارات	گاما	۶۵۰	۱۵۶۷	۲۴۱۵
۱۰ تایپه، چین	۲۶۹۸	۲۶۳۳	۲۶۶۶	۲۵ دهلی، هند	گاما	۱۲۴۰۷	۲۲۱۵۷	۲۵۷۰۳
۱۱ جاکارتا، اندونزی	۸۳۲۲	۹۲۱۰	۱۰۳۲۳	۲۶ ریاض، عربستان	گاما	۳۰۳۵	۴۸۴۸	۶۳۷۰
۱۲ ژوهانسبورگ، آفریقای جنوبی	۲۲۶۵	۳۶۷۰	۳۸۶۷	۲۷ ریودوژانیرو، برزیل	گاما	۱۰۴۳۲	۱۱۹۵۰	۱۲۹۰۲
۱۳ شانگهای، چین	۱۰۴۵۰	۱۶۵۷۵	۲۳۷۴۱	۲۸ قاهره، مصر	گاما	۹۷۰۷	۱۱۰۰۱	۱۱۶۶۳
۱۴ کوالالمپور، مالزی	۱۲۱۳	۱۵۱۹	۱۶۷۰	۲۹ کیپ تاون، آفریقای جنوبی	گاما	۲۳۹۴	۳۴۰۵	۳۶۶۰
۱۵ مانیل، فیلیپین	۹۴۰۱	۱۱۶۲۸	۱۲۹۴۶	۳۰ لیما، پرو	گاما	۶۵۸۲	۸۹۴۱	۹۸۹۷

رتبه «آلفا» بدین معناست که شهر، «مرکز نخست»^۲ برای شرکت‌های تولیدی خدماتی است. این در حالی است که «بتا» و «گاما» به ترتیب به «مراکز عمده و خرد»^۳ برای این شرکت‌ها اشاره دارند. «شواهدی برای جهانی شدن» یا «شهرهای جهانی در حال شکل‌گیری» اختصاص به سطوحی پایین‌تر از سه وضعیت یاد شده دارد. این رتبه‌بندی براساس یک ارزیابی تجربی از موقعیت‌های دفاتر شرکت‌های چندملیتی مالی، تبلیغاتی، بانکی و حقوقی است.

تحلیل جهت‌گیری مطالعات در ارتباط با چالش و مسئله مطرح است (Mahoney, 1997, 3-13-3-14). این مسئله، «چشم‌انداز شهرهای جهانی یا در حال جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه» می‌باشد که به واسطه تمرکز بر «روایت فرآیند جهانی شدن در ادبیات کنونی و غالب شهرهای جهانی» و سپس «نقد ادبیات و الگوی مسلط شهر جهانی» در زمینه جایگاه و چشم‌انداز شهرهای

شدن شهرها در کشورهای در حال توسعه» محور خاص و محدود کننده برای تدقیق و تمرکز مورد اشاره است. به این منظور، از روش «مطالعات اسنادی-کتابخانه‌ای»^۴ استفاده شده است که فراهم کننده بینش‌های لازم در ارتباط با تعاریف، زمینه‌ها، ارزش‌ها، گرایش‌ها، اولویت‌ها، فرآیندها و روندهای مرتبط با موضوع بوده و در عین حال، نیازمند شناسایی موقعیت و آهنگ پژوهش و نیز

۱ سهم بالای چین با پنج شهر هنگ‌کنگ، پکن، تایپه، شانگهای و گوانگ ژو و نیز ثبت جمعیت در شهر سئول کره جنوبی در بازه ۲۰ ساله ۲۰۱۵-۱۹۹۵ م.، از جمله نکات قابل توجه در فهرست یاد شده است.

- 2 Prime Center
- 3 Major and Minor Center
- 4 Document-Library Studies

کشورهای در حال توسعه، مبتنی بر روش «تحلیل انتقادی»^۱، مورد مذاقه قرار گرفته است. بر این اساس، «رهیافت‌های کلیدی برای پاسخ به چالش‌های مطرح» مبتنی بر نظریه‌ها، دیدگاه‌ها و پژوهش‌های قابل توجهی که در چارچوب این تحقیق مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، خروجی و نتیجه‌گیری پژوهش را در جایگاه سهم اصیل آن به عنوان «چارچوب مفهومی جایگزین برای تحلیل چشم‌انداز شهرهای جهانی در کشورهای در حال توسعه» فراهم ساخته است.

۳. روایت فرآیند جهانی شدن در ادبیات کنونی و غالب شهرهای جهانی

شهرهای جهانی به واسطه تسلط بر امور جهانی و در ارتباط با زیرساخت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مشخص می‌شوند. مفهوم شهر جهانی و سابق بر این شهر بین‌المللی، پیش‌تر مرهون نظریه‌پردازی چون «هال» (Hall, 1966) و بعدها به عنوان یک میحث علمی نسبتاً فراگیر، در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ توسط افرادی چون «فریدمن»، «کاستلز» و «ساسن» باب شد (Friedmann, 1986; Castells, 1989; Sassen, 1991). تأکید بر شهرهایی بود که به عنوان گره مبنی بر مراکز فرماندهی و کنترل در اقتصاد جهانی دارای عملکرد شده‌اند (مانند لندن، نیویورک و توکیو به عنوان نخستین نمونه‌ها). تسلط شهرهای جهانی، حاصل توسعه و قدرت مؤسسات مالی، نمایندگان و دفاتر مرکزی شرکت‌ها و صنایع مرتبط با خدمات و دلالت‌های آشکار اندازه جمعیت و بازار املاک آنهاست. شهر جهانی نیازمند زیرساخت قدرتمند و به ویژه ارتباطات و حمل‌ونقل می‌باشد، همچنان که نیازمند سیستم پایدار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که در قالب آن به عنوان قطب‌های اقتصادی، پیشرفت می‌کند (Lemanski, 2007, 448-). شهرهای جهانی از طریق این که چه جریان‌هایی (اطلاعات، دانش، سرمایه، فرهنگ و...) به واسطه آنها ایجاد می‌گردد، تولید و بازتولید می‌شوند (Beaverstock et al. 2000, 47). جهانی شدن در شهرها اتفاق می‌افتد و شهرها مظهر و تجسم جهانی شدن بوده و آن را منعکس می‌کنند. ظهور نظام جهانی تولید، بازار، امور مالی، خدمات، ارتباطات راه دور، فرهنگ‌ها و سیاست‌ها از نظر فضایی و در درون شبکه‌ای جهانی از شهرها به وضوح نشان داده شده و شهرها به طور فزاینده‌ای در معرض تأثیرات و نفوذ جهانی شدن قرار دارند. اینچنین تمرکز نمودن بر شهرها به تحلیلی ملموس از فرآیندهای جهانی نیز منجر خواهد شد، همچنان که شهرها به مثابه مکان‌های استراتژیک جهان رو به سمت جهانی شدن، انجام وظیفه می‌کنند (Short and Kim, 2007, 14).

جهانی شدن با فشردگی مفهوم زمان و مکان، بسیاری از مفاهیم موجود و متعاقباً بسیاری از تحلیل‌هایی که براساس آنها شکل گرفته‌اند را با سؤال مواجه می‌سازد. «شورت» از فرآیند فشردگی زمان-مکان با عنوان کوچک شدن شبکه شهری یاد کرده است که مفهوم نظام شهری را زیر سؤال می‌برد. کوچک شدن شبکه شهری، زمانی اتفاق می‌افتد که شهرهای کوچک و بزرگ از

نظر زمان و فضا به هم نزدیک شده باشند. با توجه به پیشرفت فناوری و برقراری ارتباط سریع، شبکه شهری به هم نزدیکتر شده و اصطلاحاً فضا و زمان سیستم شهری، کوچک شده است (Short, 2003, 73).

ابعاد کلی فرآیند جهانی شدن را می‌توان در قالب چهار محور ذیل خلاصه نمود:

■ نیاز به گونه‌های جدید از شهرها برای هدایت فرم‌های نامتمرکز تولید به وسیله میزبانی عملکردهای هماهنگ کننده بسیار متمرکز از قبیل دفاتر مرکزی شرکت‌ها، خدمات مالی، قانونی، تحقیق و توسعه (Friedmann, 1995; Sassen, 2001).

■ تحولات فرهنگی و اجتماعی از قبیل ظهور طبقه جدیدی از حرفه‌های ماهر و به حاشیه رفتن طبقه کاری-صنعتی قدیمی و مهاجران در قالب تبعید به شغل‌های کم درآمد در خدمت اقتصاد (Mollenkopf and Castells, 1991; Friedmann, 1995; Sassen, 1998).

■ رشد محیط ساخته شده شهر و خلق گونه‌های تازه‌ای از فضاهای اداری، مسکونی و تجاری برای مواجهه با تقاضاهای تجارت و برگزیده جدید (Marcuse, 1997; Marcuse and van Kempen, 2000).

■ نیاز به گونه یا گونه‌های جدید از حاکمیت برای اعمال سیاست‌های توسعه مجدد و قادر به شناسایی جابه‌جایی تقاضاهای سرمایه در فضاهای اقتصادی به سرعت در حال تغییر و هدایت آن در جهت برانگیختن دستور کار یا دستور کارهای نوین (Logan and Molotch, 1987; Fainstein, 1995).

این در حالی است که روزه‌روز بر اهمیت تخصص در تولید، تولید براساس مزیت و ایجاد صرفه‌های مقیاس در شهرها افزوده می‌شود. این مناسبات که بیشتر رنگ و بوی اقتصادی دارند، همچنان بر تولید فراتر از نیازهای داخلی و انتقال مازاد تأکید دارند. «هیل»^۲ در مطالعه‌ای که در سال ۲۰۰۰ میلادی درباره نقش شهرهای جهانی انجام داده، به این نتیجه رسیده که جهانی شدن، یک سیستم شهری جهانی ایجاد کرده است و هرچه اقتصاد بیشتر جهانی می‌شود، تمرکز کارکردهای محوری در چند شهر معدود جهانی، زیادتر می‌شود. «والرشتاین»^۳ در الگویی که درباره نظام شهری جهانی ارائه می‌دهد، بر این رویکرد تأکید می‌کند که نظام شهری در اقتصاد بازار به گونه‌ای سلسله‌مراتبی، سازمان می‌یابد تا مازاد با سهولت بیشتری از سطوح پایین نظام به سطوح فوقانی آن انتقال یابد (Rezazadeh and Badri, 2004, 8). در این زمینه «آرمسترانگ»^۴ و «مک‌گی»^۵ مدلی را در ارتباط با سلسله مراتب نظام شهری جهانی و روند انتقال مازاد اقتصادی در قالب چهار سطح به شرح ذیل، تشریح کرده‌اند (Azimi, 2002, 115):

■ **مادرشهرهای جهانی یا مراکز جهانی:** این مراکز مانند نیویورک، توکیو و لندن از مراکز عمده مالی و پولی جهان محسوب می‌شوند

2 R. C. Hill

3 I. Wallerstein

4 W. Armstrong

5 T. G. McGee

و از سراسر جهان، سرمایه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بیشتری را جذب می‌کنند. از مشخصات این مادرشهرهای جهانی، تصمیمات استراتژیک درازمدت و اساسی، نفوذ مالی و فرهنگی و حاکمیت تکنولوژیک در تولید و توزیع است.

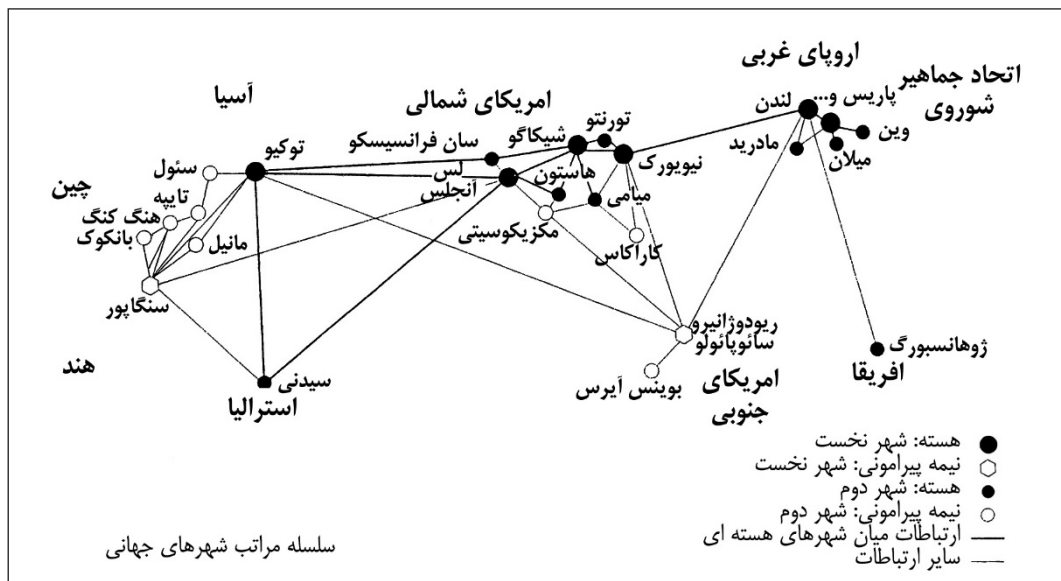
■ **مادرشهرهای ملی کشورهای در حال توسعه:** از مشخصات این نوع مادرشهرها، تصمیمات تاکتیکی، اجرای برنامه‌های استراتژیک، تسلط بخش جدید در نفوذ فرهنگی، تولید و توزیع و کنترل سیاسی است. بخش اعظم مازاد مادرشهرهای ملی به مادرشهرهای جهانی به عنوان مراکز جهانی، انتقال می‌یابد.

■ **مراکز منطقه‌ای:** از ویژگی‌های مراکز منطقه‌ای در داخل کشورهای در حال توسعه، تصمیمات روزانه، محدود بودن تولیدات جدید، کارکردهای توزیعی، دریافت و انتقال الگوهای فرهنگی است. انتقال مازاد از مادرشهرهای منطقه‌ای به مادرشهرهای ملی صورت می‌گیرد.

■ **حوزه‌های روستایی و شهرهای کوچک:** از ویژگی‌های این قبیل حوزه‌ها، کشاورزان، بازرگانان محلی و غیرمحلی، تصمیمات روزانه، تولیدات صنایع روستایی و سرانجام دگرگونی تدریجی در شیوه مصرف است. انتقال مازاد از طریق مراکز منطقه‌ای و مادرشهرهای ملی به مادرشهرهای جهانی صورت می‌گیرد.

«فریدمن» و «سازن» نیز به همین نظم جدید اشاره می‌کنند و عنوان می‌دارند که در فرآیند جهانی شدن، چارچوبی واحد به کشورهای تحمیل شده که نتیجه آن، ایجاد یک نظام شهری جهانی است که فوق سیاست‌ها، آداب و فرهنگ‌های ملی قرار می‌گیرد.

در رأس این نظام، شهرهای جهانی و در رتبه بعدی، شهرهای نیمه جهانی قرار دارند که محل اتصال کلانشهرها یا پایتخت‌های کشورهای در حال توسعه با نظام جهانی است (Rezazadeh and Badri, 2004, 9). تصویر شماره ۱ یکی از نخستین نمونه‌های نظام شهرهای جهانی به صورت سلسله مراتبی را شامل «هسته-گره‌های سطح اول و دوم»^۱، «مراکز نیمه پیرامونی سطح اول و دوم»^۲ و نیز ارتباطات آنها نشان می‌دهد که توسط فریدمن ارائه شده است. با چنین نگرشی و براساس همین جریان مازاد و با تکیه بر «نظریه وابستگی»^۳، مکتبی پایه‌گذاری شده است که بر خروج مستمر مازاد از شهرها و مراکز شهری کشورهای در حال توسعه به سطوح بالاتر به عنوان سرنوشتی ظاهراً محتوم و عاملی تعیین کننده در ناممکن شدن توسعه در این کشورها و علت اصلی وابستگی و عقب ماندگی تأکید دارد که عده‌ای از آن، در قالب رابطه «مولد»^۴ و «انگلی»^۵ نیز یاد کرده‌اند (Azimi, 2002, 109 and 138). در واقع ادبیات غالب در حوزه شهرهای جهانی گرایش به ثبت سلسله مراتب‌هایی براساس توانایی یک شهر در عملکرد به عنوان مرکزی برای فرماندهی و کنترل نیروهای جهانی شدن دارد. این موضوع حتی اگر همیشه به صراحت اذعان نشود، دلالت بر این دارد که شهرهای دیگری در فرآیند جهانی شدن وجود دارند که فراهم کننده منابعی هستند که مورد فرماندهی و کنترل قرار می‌گیرند (Pani, 2009, 114). الگویی بسیار مورد ارجاع و جدیدتر از کار فریدمن نیز، با همکاری «بیورستوک»، «تیلور» و «اسمیت» تهیه شده که در قالب تصویر شماره ۲ ارائه شده است. این نقشه بر پایه فهرستی از ۵۵ شهر جهانی شامل ۱۰ شهر جهانی در رده بندی



تصویر ۱: سلسله مراتبی شدن و انتقال مازاد از سطوح پایین به بالا در نظام و شبکه شهرهای جهانی - (Friedmann, 1986, 74)

- 1 Core: Primary and Secondary City
- 2 Semi-Periphery: Primary and Secondary City
- 3 Dependency Theory
- 4 Generative
- 5 Parasitic

- شهر مولد، شهری است که رشد اقتصادی را در حوزه نفوذ پیرامون خود بر می‌انگیزد.

- شهر انگلی، شهری است که مازاد را از حوزه نفوذ پیرامون خود استخراج کرده و آن را به سطوح بالای نظام انتقال می‌دهد.

«آلفا»، ۱۰ شهر جهانی «بتا» و ۳۵ شهر جهانی «گاما» مبتنی بر درجه‌بندی مراکز جهانی تولیدی و خدماتی بر مبنای چهار حوزه مالی، تبلیغاتی، بانکی و حقوقی است. ۶۷ شهر در رده یا وضعیت «شواهدی از شکل‌گیری شهر جهانی» به عنوان سطحی پایین‌تر، که عمدتاً شامل شهرهای جهانی یا در حال جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه است، در این نقشه جای ندارند.

۴. تحلیل انتقادی: نقد ادبیات و الگوی مسلط شهر جهانی

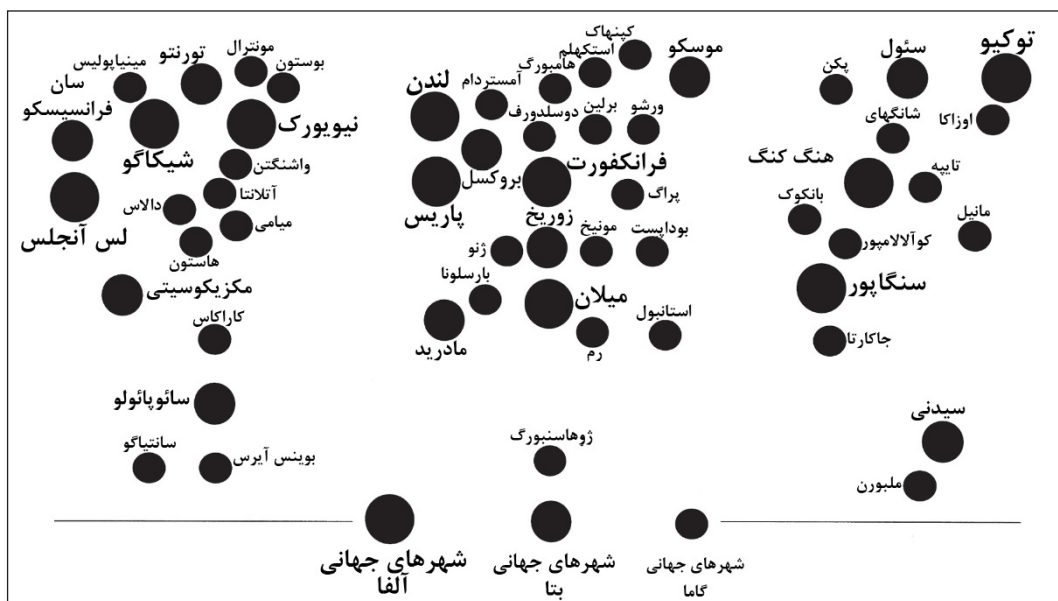
به دنبال تبیین روایت فرآیند جهانی شدن در ادبیات کنونی و غالب شهرهای جهانی، در این بخش نقد ادبیات و الگوی مسلط شهر جهانی در زمینه جایگاه و چشم‌انداز شهرهای کشورهای در حال توسعه مورد مذاکره قرار گرفته است. «احتمال بی‌ثمر بودن دستیابی به مجموعه‌ای تعمیم‌پذیر از نتایج جامع و جهانی»، «تعصب حاکم بر ادبیات جهانی شدن و شهرهای جهانی» و نیز «عدم کفایت تمرکز بر ابعادی خاص و محدود برای تشریح تمامی نتایج جهانی شدن شهرها» از جمله مسائل و چالش‌های عمده و قابل توجه در ارتباط با تلقی‌ها و تعابیر غالب و فعلی تئوری شهر جهانی بوده که از نگاه انتقادی و از منظر کاربست برای تبیین چشم‌انداز شهرهای جهانی یا شواهدی از جهانی شدن شهرها در کشورهای در حال توسعه، مورد انتقاد قرار دارند.

۴.۱. احتمال بی‌ثمر بودن دستیابی به مجموعه‌ای تعمیم‌پذیر از نتایج جامع و جهانی

این مقاله، نخستین پژوهش در ارتباط با احتمال بی‌اثر بودن دست یافتن به مجموعه‌ای تعمیم‌پذیر از نتایج جامع و جهانی نیست. در یک مطالعه تطبیقی پیشنهاد شده است که در مجموع اصطلاح «شهر جهانی» رها شده و در عوض، واژه عمومی‌تر «شهرهای در حال جهانی شدن»^۱ مورد پذیرش قرار گیرد. این

جایگزین، انعکاس دهنده دو نقطه نظر متمایز است. نخست این که، تمامی شهرها به نوعی تحت تأثیر جهانی شدن بوده و در عین حال درگیر این فرآیند هستند. ماهیت و وسعت تأثیر، نفوذ و تجلی این فرآیند و نبودن در جایگاه بالا یا پایین، کلیدی و مهم است. دوم این که، چنین کاربردی به هیچ عنوان مبنی بر یکنواختی و متحدالشکل بودن ماهیت این درگیری و این که تمامی شهرها در حال همگرایی در زمینه یک مدل منحصر به فرد از «شهر جهانی شده»^۲ هستند، نمی‌باشد. بر این مبنای، شاید مناسب باشد تا از «شهرهایی که در حال جهانی شدن نیستند»^۳ نیز صحبت شود (Marcuse and van Kempen, 2000, 249-275). از این رو، دست‌کم به نظر می‌رسد این اظهار نظر مناسب باشد که می‌توان واژه و اصطلاح شهر جهانی را حفظ نمود ولی باید در رابطه با دلالت‌ها و مفاهیم آن برای توسعه شهر، به دقت اندیشید. این در حالی است که با طرح این که منفعت‌های تعمیم دادن شهرهای جهانی بسیار فراتر از زیان‌هاست، این موضوع همچنان مورد تأکید و دفاع قرار می‌گیرد. «شاتکین» معتقد است، مادامی که این امر درست باشد، مطمئناً توجه برای تحلیل موشکافانه‌تر نیز مورد نیاز است (Shatkin, 2007, 4).

«شورت» و «کیم» معتقدند، جهانی شدن مانند سایر موضوعات هیجان‌انگیز جدید، توجه زیادی را به خود جلب کرده که بیشتر آن نامشخص و مبهم است. پیچیدگی‌ها و ابهامات آن مورد انتظار بوده و هنوز در حال کشف و شناخته شدن است. با این حال به سبب غلبه گرایش‌های پسامدرن در بیشتر نوشته‌های علوم اجتماعی، بر مشاهدات تجربی کمتر تأکید شده است. اظهارنظرهای تخمینی زیادی در مورد دنیای در حال جهانی شدن یا ارتباط جهانی-شهری وجود دارد، اما نمونه‌های کمتری از سنجش میزان جهانی شدن، وجود دارد. ایده‌ها و عقاید بیش از آن که تبیین شوند، مورد



تصویر ۲: نظام شهرهای جهانی براساس رده‌بندی آلفا، بتا و گاما - (Beaverstock, Taylor, and Smith, 1999, 456; Taylor, 2000, 16)

2 Globalized City

3 Deglobalizing Cities

1 Globalizing Cities

تأکید قرار می‌گیرند. برای همین است که آنها از «راز کوچک پلید پژوهش شهر جهانی» یاد می‌کنند. البته بخشی از مشکل، به میزان دسترسی به اطلاعات نیز مربوط می‌شود. اطلاعات خوب احتمالاً گرایش بین‌المللی ندارند و اطلاعات بین‌المللی نیز از گرایش شهری فاصله می‌گیرند (Short and Kim, 2007, 13).

۴.۲. تعصب حاکم بر ادبیات جهانی شدن و شهرهای جهانی
«گرانت» و «نیجمن» اظهار می‌دارند که یکی از طعنه‌های مباحث علمی در رابطه با جهانی شدن، تعصب غربی آن است. بسیاری از نظریه‌پردازان و پژوهش‌های تجربی با تکیه بر تجارب آمریکا، اروپای غربی و سایر کشورهای هسته مرکزی اقتصاد جهانی، تدوین شده و ادبیات شهر جهانی عمدتاً براساس شهرهایی در رأس سلسله مراتب شهری، هدف‌گذاری شده است. اینچنین شهرهای لایه‌ها و سطوح پایین‌تر سلسله مراتب جهانی، مورد غفلت واقع می‌شوند. ادبیات حاضر با ادعاهایی با اعتبار جهانی بدون توجهی مناسب از حیث نظری یا تجربی به شهرها در جهان در حال توسعه، به پیش می‌رود (Grant and Nijman, 2002, 320-321). «اولدز» و «یئونگ» نیز در این خصوص از تمرکز بیش از حد بر ویژگی‌های شهرهای جهانی و فرآیندهای خلق‌کننده شهرهای جهانی مبتنی بر «چشم‌انداز جهانی سازی از لحاظ نظری»^۱ با استناد به مطالعات تجربی محدود انتقاد می‌کنند (Olds and Yeung, 2004, 489).

از این رو، ادبیات شهرهای جهانی در مجموع به نوعی «نژادپرستی»^۲ (تعصب) آلوده است، مانند این که فرض می‌کند شهرهای کشورهای در حال توسعه همان خط سیر نیویورک و لندن را دنبال خواهند کرد، حال آن که در واقع این شهرها به طور بی‌همتایی به وسیله ایدئولوژی اقتصاد آزاد، فرهنگ مصرف‌گرا و ساختار اجتماعی قطبی شده، شکل گرفته‌اند. با این وجود، در جوامعی که کشور خیلی تمایل دارد تا در مباحث و موضوعات اجتماعی مداخله کند، نتایج مفروض برای قطبی شدن اجتماعی و اقتصادی، سیاسی و فضایی نزدیک به آنچه که در پاریس و توکیو برای روشن شدن این موضوع بیان شده، نخواهد بود (Shatkin, 2007, 4). همان طور که «وایت» نیز، ضمن انتقاد نسبت به الگوی نظری شهر جهانی مبتنی بر تقلیل‌گرایانه و تعصب‌گرایانه بودن آن از نظر اقتصادی، می‌گوید، «کشورها و دولت‌ها می‌توانند اجازه دهند یا ندهند که شهری جهانی و دوگانه شود» (White, 1998, 464).

در همین ارتباط، «دیویس» که مطالعات گسترده‌ای را با تمرکز بر مکزیکوسیتی انجام داده است، به سنت دیرینه مطالعه شهرها در کشورهای در حال توسعه به گونه‌ای که تغییر شهری را با یکپارچگی جهانی مرتبط می‌سازد، به عنوان نظریه وابستگی اشاره می‌کند که توسعه‌های درون و میان «جنوب پیرامونی»^۳ و «شهرهای اصلی و کشورهای شمال»^۴ را به ارتباطات ساختاری وسیع‌تر مرتبط با وابستگی و توسعه نیافتگی متصل می‌کند. وی معتقد است، ادبیات شهرهای جهانی از شیب بی‌ثبات تئوری‌های گذشته

توسعه آغاز می‌کند که اقتصادهای پیشرفته را به عنوان حالتی پایانی در نظر می‌گیرند که کشورهای در حال توسعه به طور غیر قابل‌تغییری به سمت آنها پیش می‌روند (Davis, 2005, 94-100). «شورت» و «کیم» نیز بحث می‌کنند که یک تعصب قوی انگلیسی-امریکایی در مورد شهرهای جهانی وجود دارد. مطالعات بسیاری در مورد تجارب لندن و نیویورک وجود دارد، اما اطلاعات کمتری از آنچه در آسیا و آفریقا می‌گذرد، در دسترس است. ادبیات جهانی شدن هنوز تنگ‌نظرانه است و نوشته‌های شهری در کانون اصلی خود، هنوز به طور موشکافانه‌ای بر مبنای انگلیسی-امریکایی قرار دارند (Short and Kim, 2007, 12-13).

۴.۳. عدم کفایت تمرکز بر ابعادی خاص و محدود برای تشریح تمامی نتایج جهانی شدن شهرها

در میان طرق گوناگون مسلمی که شهرها به جریان‌های جهانی، سرمایه، کالا، مردم و عقاید پیوند می‌خورند، مفهوم شهر جهانی به طور کافی به وسیله تمرکز بر موقعیت تصمیم‌شمار کوچکی از شرکت‌های خدماتی تولیدی چندملیتی، به درستی درک نشده و نخواهد شد. به دلیل این که شهرهای جهانی در کشورهای در حال توسعه به عنوان مراکز فرماندهی و کنترل در سطحی پایین‌تر از نیویورک یا لندن عمل می‌کنند، شرکت‌های چندملیتی و نیز تولیدی خدماتی، توسعه آنها را در درجه به مراتب کمتری تحت تأثیر قرار داده، شکل و جهت می‌دهند. «رابرتز»^۵ گزارش می‌دهد که خدمات تولیدی که تولید سازمان یافته را برای بازارهای جهانی مورد هدف قرار داده‌اند، حقیقتاً عاملی پراهمیت را در اقتصادهای شهری امریکای لاتین مانند آنچه در ادبیات شهرهای جهانی پیش‌بینی می‌شود، به وجود نمی‌آورند. تمرکز روی بخش‌هایی خاص از اقتصاد جهانی به ویژه خدمات تجاری، تولیدی و صنایع هایتک به عنوان بخش‌های غالب شکل دهنده به توسعه شهری معاصر، چارچوب‌هایی محدود را پدید می‌آورد (Shatkin, 2007, 5). اینچنین «گرانت» و «نیجمن» نیز اشاره می‌کنند که شهرها در طریقی که به جریان‌های جهانی پیوند می‌خورند، متفاوت هستند و این تفاوت به عملکرد، ابعاد خاص، مکان و موقعیت شهر باز می‌گردد (Grant and Nijman, 2002, 320). این تفاوت از نظر «اولدز» و «یئونگ» به «مسیرهای در حال توسعه افتراقی و پویا»^۶ در زمینه شکل‌گیری شهر جهانی تعبیر می‌شود (Olds and Yeung, 2004, 489).

در واقع ماهیت متفاوت خصوصاً اقتصادی شهرهای کشورهای در حال توسعه باید مورد توجه قرار گیرد. «چاکراورتی»^۷ بحث می‌کند که جهانی شدن با صنعتی شدن بسیاری از شهرها در کشورهای در حال توسعه همراه شده است و آنها متعاقباً مشخصات فضایی و اجتماعی شبیه شهرهای «پست‌فوردیست»^۸ را به نمایش نمی‌گذارند (مانند مراکز فرسوده بخش‌های صنعتی در شهرها). علاوه بر این مادامی که ادبیات شهرهای جهانی روی نقش

5 B. Roberts
6 Differential and Dynamic Developmental Pathways
7 S. Chakravorty
8 Post-Fordist

1 Theoretically Globalist Perspective
2 Ethnocentrism
3 Peripheral South
4 Core Cities and Nations of North

شهرها در هدایت تولید کارخانه‌ای برای بازار جهانی متمرکز شوند، شهرها در واقع نظم و آرایش متغیری از تولیدات و خدمات را صادر می‌کنند که هرکدام استدلال فضایی خود را دارد. برای مثال کار یکی از مهمترین کالاهای صادراتی تولید شده به وسیله شهرهای جهانی است، این در حالی است که ارسال پول به کشورهای در حال توسعه از سوی کارگران خارج از مرز، در حدود ۱۲۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴ تخمین زده شده است. در بسیاری از کشورها این موضوع، منابع سرمایه‌گذاری خارجی دیگررا پشت سر گذاشته است. برای نمونه، در فیلیپین ارزش این وجوه، به بیش از هفت برابر میزان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در سال‌های اخیر بالغ شده که توسعه شهری، ساخت‌وساز عظیم املاک مسکونی و تجاری در زمانی که رشد اقتصادی در نواحی دیگر دچار رکود شده است، از اثرات تبعی آن می‌باشد (Shatkin, 2007, 4-5).

۵. رهیافت‌های کلیدی برای پاسخ به چالش‌های مطرح

در خصوص واکاوی چشم‌انداز شهرهای جهانی در کشورهای در حال توسعه و در پاسخ به انتقادات وارد بر ادبیات و الگوی مسلط شهر جهانی از منظر کاربست و کارآمدی در این زمینه، محورهایی در جایگاه رهیافت‌های کلیدی مبتنی بر نظریه‌ها، دیدگاه‌ها و پژوهش‌های قابل توجهی که در چارچوب این تحقیق مورد استناد قرار گرفته‌اند، شناسایی شده و از این رو، حائز اهمیت هستند. این رهیافت‌ها به تفصیل و در قالب «اتخاذ الگو یا الگوهای جدید و جایگزین براساس پیچیدگی و تنوع آثار و پیامدها»، «اهتمام جدی در زمینه ارزش‌گذاری اولویت‌ها و تفاوت‌ها»، «لرزم توجه به سایر معیارها به جای برجسب کنونی شهر جهانی» و نهایتاً «اتخاذ چارچوب‌هایی برای سنجش اثرات جهانی شدن» تبیین شده‌اند.

۵.۱. اتخاذ الگو یا الگوهای جدید و جایگزین براساس پیچیدگی و تنوع آثار و پیامدها

«شاتکین» در مقاله خود با عنوان «شهرهای جهانی در جنوب: چشم‌اندازهای در حال ظهور در رابطه با رشد و نابرابری»، ضمن نقد نگاهی مبنی بر همگرایی شهرهای جهانی در کشورهای در حال توسعه پیرامون الگویی از توسعه مشابه با شهرهای جهانی پیش الگو و نمونه ایالات متحده، اروپا و ژاپن، معتقد بر کانونی تحلیلی متکی بر نمایندگی محلی، برآمدها و نتایج واگرا با تکیه بر «تمرکز در حال رشد بر تنوع تجربه شهرها در فرآیند جهانی شدن»، «شناسایی ماهیت اثرات جهانی شدن بر نتایج شهری» و «توجه به جلوه‌های بازیگر و متمرکز در تحلیل شهری» می‌باشد. وی ضمن تأکید بر به هم پیوستگی و ترکیب تأثیر محورهای یاد شده، بر یک جابه‌جایی از تمرکز بر الگوهای شهر جهانی به سمت آزمون تعامل متقابل میان بازیگران جهانی و محلی و نهادها به صورت خاص، معتقد است. در واقع او به الگو یا الگوهای جدید برای تحلیل ظهور و توسعه شهر جهانی اعتقاد دارد تا براساس آن، شباهت‌ها و تفاوت‌های این پدیده و از آن مهم‌تر، بازیگران، نهادها و جذابیت‌هایی که در حال تغییر می‌باشند، درک شود (Shatkin, 2007, 1).

«شاتکین» می‌گوید، به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از ادبیات

شهرهای جهانی در یک شیار بیکنواخت افتاده است که مکرراً به دنبال بازبینی مباحث اصلی با تکیه بر یک سری مشاهدات قابل توجه مطابق با اثرات جهانی شدن بر یک مجموعه منتخب و محدود از شهرهاست که عمدتاً توسط «ساسن» و دیگران در طول دهه‌های ۱۹۸۰ و ۹۰ ایجاد گردید. بنابراین لازم است تا در فرآیند ادراک جهانی شدن، از عمومیت‌هایی مبتنی بر تجربه شهرهای جهانی در غرب به سمت اتخاذ چارچوب‌هایی براساس پیچیدگی و تنوع ابعاد، آثار و پیامدها حرکت نمود. باید الگو یا الگوهای جدید برای تحلیل شهر جهانی در کشورهای در حال توسعه که به اعتقاد وی برای بازیگران محلی و نیز دگرگونی نتایج مناسب‌تر است، شناسایی شود. مشکل با نگرش‌های غالب همگرایی این است که آنها خیلی سریع روی شباهت‌های مشاهده شده در زمینه روندهای شهری، متمرکز شده و منابع پراهمیت تفاوت که ریشه در پویایی‌های فرهنگی، جغرافیایی و سازمانی دارند را مختصر می‌شمردند. به عبارت دیگر، بسیاری از مطالعات با نتایج نمونه‌های پارادایماتیک از قبیل نیویورک، لندن و لس‌آنجلس آغاز می‌کنند و سپس تلاش می‌کنند تا ببینند «آیا این کفش شهر جهانی اندازه مکان‌هایی چون شانگهای، مکزیکوسیتی یا بوئنس آیرس می‌شود؟». در واقع توجه به رویکردهای جایگزین برای ارزیابی فرضیه‌های مربوط به ادبیات شهرهای جهانی ضروری است. از نقطه نظر «شاتکین» که بر نتایج شهرهای جهانی یا در حال جهانی شدن چون جاکارتا، شانگهای، استانبول و مکزیکوسیتی استناد می‌کند، در عین حال که شباهت‌های حتمی وجود دارند، تمرکز روی این شباهت‌ها موجب غفلت از آزمون و سنجش تفاوت‌های مهم و قابل توجه و این که چه عاملی منجر به بروز تغییر می‌شود، می‌گردد. با طرح فرآیندی مفهومی، جایگزین و بازیگر محور مبنی بر شواهد و قراین، این فرضیه مسلط مبنی بر این که «شهرها در کشورهای در حال توسعه ضرورتاً (به ناچار) خط سیر شهرهای جهانی در اقتصادهای پیشرفته را دنبال خواهند کرد» قابل اجتناب و دوری است (Shatkin, 2007, 2, 13).

«اسمیت» که به هر دو فهرست و الگوی مورد اشاره در زمینه نظام و شبکه شهرهای جهانی به عنوان نمونه‌های ویژه و بسیار قابل توجه پرداخته است، می‌گوید، «این یک حقیقت است که تمامی شهرها، امروز، شهرهای جهانی هستند». شهرهای در حال ظهور از آسیا، آفریقا و امریکای لاتین به اقتصادی جهانی و به ویژه به شبکه شهرهای جهانی، در طرق متنوعی، متصل شده‌اند. این در حالی است که در تمامی کارهای تجربی در حوزه شبکه و نظام شهر جهانی، شهرهای عمده و اصلی این کشورها اغلب به عنوان نمونه‌هایی منزوی یا دارای ارتباط ضعیف، در سلسله مراتب انتهایی یا نزدیک به آن، جا می‌گیرند. تمرکز بر پویایی‌های شهری به ویژه در زمینه لحاظ نقش‌ها و موقعیت‌های ساختاری این مراکز در ساختارهای وسیع‌تر جهانی، چارچوب یا چارچوب‌های مفهومی مقدماتی را برای مطالعه آنها پیشنهاد می‌دهد. این موضوع در شرایطی که آنها از نقطه نظر پیش فرض‌های فعلی بسیاری از کارهای نظری و تجربی در حوزه شهرهای جهانی، به دست فراموشی سپرده شده‌اند، بسیار مهم می‌باشد. مباحث

علمی حوزه جهانی شدن، اغلب با تخمین‌های حدسی بعضاً غرض‌ورزانه در رابطه با شهرهایی خاص، پایان می‌یابند. این در حالی است که شهرها و مراکز شهری در حال ظهور و رشد، بسیار مهم هستند، به جای این که «خارج از نقشه»^۱ کنار گذاشته شوند (Smith, 2005, 48-51).

۵.۲. اهتمام جدی در زمینه ارزش‌گذاری اولویت‌ها و تفاوت‌ها

«لمانسکی» در مقاله خود با عنوان «شهرهای جهانی در کشورهای جنوب» اعتبار «برجسب شهر جهانی»^۲ را برای این شهرها مورد بررسی قرار می‌دهد. این مطالعه برای برجسته‌سازی مسائل به کارگیری معیارها و سنجش‌های غربی برای ویژگی‌های غیر غربی، به مطالعه نمونه کیپ تاون می‌پردازد. وی معتقد است، تلاش یک‌جور و همجنس‌کننده برای کسب استاندارد به طور خارجی تعیین شده، با این فرض مطلق که تجربه انگلیسی-آمریکایی نقطه انتهایی و عالی است، در زمینه ارزش‌گذاری تفاوت‌هایی که شهرهای مختلف به دیگ مذهب جهانی می‌آورند، ناتوان بوده و نتایجی منفی نیز به همراه دارد. در چنین شرایطی نیاز به الگو و تئوری‌های جدید براساس تجربه شهرها در کشورهای در حال توسعه است. البته مادامی که این درک جدید ضروری است، باید به این موضوع نیز توجه شود که رهبران شهری این مناطق به تلاش در راستای معیار و استاندارد انگلیسی-آمریکایی ادامه می‌دهند که خود می‌تواند به زیان بخش‌های وسیعی از جمعیت آنها باشد. شهرهای کشورهای در حال توسعه به طور سنتی به عنوان مکان‌هایی با بخش‌های غیررسمی قدرتمند، رشد اقتصادی ضعیف، رشد سریع جمعیت و زیرساخت در حال تخریب و متفاوت با فضاهای قاعده‌مند و شفاف شهرها در کشورهای توسعه یافته (شمال) شناخته می‌شوند. این در حالی است که برای مطابقت با تجربه شهرهای جهانی تحسین شده چون لندن و نیویورک، این شهرها شروع به مصرف منابع کمیاب و قلیل خود برای ارتقای شهر در اقتصاد جهانی کرده که در مواردی با فدا کردن اولویت‌های بومی خود، همراه می‌باشد (Lemanski, 2007, 449).

«شبکه شهرهای افریقای جنوبی»^۳ تأکید می‌کند، «نواحی شهری، کلیدهای موفقیت کشور در بازار و میدان جهانی هستند، ولی همچنین می‌توانند حیرت‌آور و مسئله‌زا شوند. آنها این استعداد را دارند تا مانع شوند، به حاشیه روند، الگوهای نابرابری را تقویت کنند و خودی و غیر خودی را خلق کنند» (SACN, 2006, 2-2). اینچنین، در تعقیب رفتن به سلسله مراتب بالاتر شهر جهانی و در فقدان اهتمام جدی در زمینه ارزش‌گذاری اولویت‌ها و تفاوت‌ها، شهرهای کشورهای در حال توسعه مادامی که نواحی فقیر شهری در وضع خود باقی می‌مانند، فراموش می‌شوند و به طور فزاینده به حاشیه می‌روند، به احیا و بازآفرینی بخش‌های کوچکی از شهر

1 Off the Map

این عبارت برگرفته از نقطه نظر «جنیفر رابینسون» مبنی بر انتقاد نسبت به تمرکز بر بخش‌هایی خاص و نمونه‌هایی محدود و در نتیجه خارج از نقشه بودن یا نشان دادن بسیاری از شهرها و مراکز شهری، با وجود داشتن نقش قطعی در اقتصاد جهانی است.

2 Global City Label

3 South African Cities Network (SACN)

به واسطه پروژه‌های عظیم زیرساختی و توسعه برای خلق تجمع شرکت‌های بین‌المللی می‌پردازند (Robinson, 2002, 540-546). «امین»^۴ و «تریفت»^۵ معتقدند که عملکرد اقتصادهای محلی در دنیایی که به سمت جهانی شدن پیش می‌رود، به میزان زیادی به «پهنای نهادی»^۶ آن بستگی دارد. این مفهوم به معنای حضور نیرومند نهادی است که مشروعیت و اطمینان را پدید می‌آورد، همچنان که کارآفرینی را تشویق و ترغیب کرده و ریشه‌های محلی صنعت را استوار می‌سازد. در عین حال آنها هشدار می‌دهند که رخنه نهادها به اقتصادهای محلی، شمشیری دولبه است. محل‌ها نباید تنها به دست یافتن به موفقیت توجه کنند، بلکه نگره داشتن و پایداری موفقیت را نیز باید پیش چشم داشته باشند (Keivani, 2009, 49). در همین زمینه، «لمانسکی» با تکیه بر شواهد کیپ تاون اظهار می‌دارد، با وجود وضعیت و جایگاه جهانی در حال ارتقای این شهر همراه با رشد اقتصادی و توسعه زیرساخت، فقر و نابرابری همچنان مسلط است و وسعتی که در آن به سمت «رقابت پذیری جهانی»^۷ حرکت می‌شود، سبب شده است که این موضوع به سختی آشکار گردد. واضح است که قدرت جهانی در حال ارتقا، فقر و جدایی‌گزینی در شهر را تعدیل یا کمرنگ نکرده است. هر شهری که برای جایگاه جهانی هدف‌گذاری می‌کند، باید اثرات منفی این جایگاه اقتصادی بین‌المللی را بر وضعیت اجتماعی خود به ویژه در شهرهای جنوب که ساخت غربی رقابت‌پذیری جهانی، قطبی شدن و جدایی‌گزینی را تشدید می‌کند، شناسایی کرده و بپذیرد. بنابراین مبتنی بر شواهدی که حرکت برای رقابت‌پذیری جهانی در قالب آثار منفی برای جمعیت بومی، به صورت نابرابری اجتماعی-فضایی و جدایی‌گزینی به همراه دارد، شاید این شهرها نباید تمایل و آرزوی جایگاه جهانی را، دست‌کم براساس سنجش‌ها و الگوهای غالب فعلی داشته باشند.

شهرها باید منابع و توانایی‌های خود را به سمت تأمین نیازهای اساسی ساکنان خویش از قبیل مسکن، آموزش، سلامت و اشتغال هدایت کنند، به جای آن که برای توسعه نواحی خاص به عنوان مگامال‌ها و مراکز مالی جهانی برای حفظ برجسب جهانی تلاش کنند. این در حالی است که در عصر حاضر، شهرها مجبورند تا به صورت جهانی برای توسعه اقتصادهای محلی خود رقابت کنند. آنها آرزوی حفظ یا بهبود موقعیت خود را دارند. بنابراین غفلت و اجتناب از تقاضای جهانی در حکم یک انتخاب غیرممکن برای رهبران شهری ظاهر می‌شود و در واقع نتیجه به سمت انکار ساکنان بومی در قالب اقداماتی مانند کاهش ارائه خدمات به اقشار ضعیف است. در نتیجه سئوالی که باقی می‌ماند این است که «آیا ممکن است یک شهر هم رقابت‌پذیری جهانی خود را داشته باشد و هم بازتوزیع اجتماعی-اقتصادی بومی خود را سامان دهد؟». «لمانسکی» می‌گوید، شواهد کیپ تاون نشان می‌دهد، حتی اگر شهرها هر دوی اینها را اولویت‌بندی کنند، اولی (ارتقای رتبه

4 A. Amin

5 N. Thrift

6 Institutional Thickness

7 Global Competitiveness

جهانی) دومی راتحت تأثیر قرار داده، نفی کرده یا دست‌کم کم‌رنگ می‌سازد، همچنان که منافع رقابت‌پذیری جهانی بر رتبه‌های بالاتر اجتماعی-اقتصادی متمرکز است (Lemanski, 2007, 458-459).

۵.۳. لزوم توجه به سایر معیارها به جای برجسب کنونی شهر جهانی

تصور فراگیر در حوزه ادبیات جهانی شدن مبنی بر وجود صرفاً یک مسیر به سمت شکل‌گیری شهر جهانی، جایی که در آن شهرهای جهانی وجودهایی همگن و بسیار شبیه به یکدیگر هستند، مورد نکوهش قرار گرفته است. از این رو، توجهی تحلیلی در مسیر بازنمایی مسیرهای پویا با تنوع آثار و برآمدهای جهانی شدن در مقابل گرایش به تمرکز بر نمونه‌هایی محدود از «شمال جهانی»^۱، مورد نیاز است. تنها یک خط سیر به سمت شکل‌گیری شهر جهانی وجود نداشته، بلکه مسیرهای گوناگونی با توجه به شرایط محلی و عملکردهای شهری متفاوت، مطرح هستند. این در حالی است که این مسیرها در عین حال، توسط بازیگران متعددی پی‌ریزی و ساخته شده که فعالانه شهرهای خویش را در طرق متفاوت، مکان‌های متفاوت و زمان‌های متفاوت، دگرگون می‌کنند (Chubarov and Brooker, 2013, 181-182).

«رایینسون» در همین زمینه و با اتکا به پژوهش خویش با عنوان «شهرهای جهانی و بین‌المللی: نگاهی از بیرون نقشه» معتقد است که تناقضات مرکزی و اصلی در نظریه شهری معاصر (برگرفته از رویکردهای مسلط انگلیسی-آمریکایی)، شهرهایی هستند که در سراسر جهان دائماً با ارجاع به تجارب گروه نسبتاً کوچکی از شهرها (عمدتاً غربی) مورد تحلیل قرار می‌گیرند. انتقاد اساسی وی به الگوی شهر جهانی این است که تمرکز انحصاری بر عملکردهای فرماندهی و کنترل شهر منجر به نگاهی می‌شود که در آن «میلیون‌ها نفر از مردم و صدها شهر در خدمت عده‌ای خاص از نقشه حذف شده و صرفاً بر بخش‌هایی خاص از اقتصاد جهانی، تمرکز می‌شود».

وی معتقد است، با وجود این که شهرهای بی‌شماری در کشورهای در حال توسعه بر مبنای معیار انگلیسی-آمریکایی بیرون نقشه قرار دارند، در واقع بسیاری از آنها به طور قطع در اقتصاد جهانی قرار دارند ولی به این دلیل که جایگاه شرکت‌های برجسته اقتصادی نیستند، به عنوان ناکام و شکست خورده مورد توجه قرار می‌گیرند. این موضوع، نامناسب بودن و بی‌ربطی معیار و برجسب شهر جهانی را برای بسیاری از این شهرها در امریکای لاتین، آفریقا و خاورمیانه مشخص می‌کند. تئوری‌ها و مباحث شهر جهانی به طور عمده از رویکردهای غربی و بهره‌گیری از معیار اقتصاد غربی برای موفقیت، برگرفته و ترسیم شده است. بنابراین این مفهوم نسبت به یک الگوی بین‌المللی شهری، صرفاً در قلمرو جغرافیایی خاصی مناسب است. «رایینسون» نشان می‌دهد که نقشه شهرهای جهانی می‌توانست بسیار متفاوت باشد اگر برای مثال «گره‌های اسلامی»^۲ در زمینه فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی به عنوان معیار و ضابطه اصلی لحاظ می‌شد. یا اگر به ملاک و معیار کمتر انگلیسی-آمریکایی چون موقعیت سازمان‌های غیردولتی توجه

شود، شهری چون نایروبی مطمئناً در بالای فهرست قرار می‌گیرد (Robinson, 2002, 531-539).

«اسمیت» و «تیمبرلیک» نیز در مطالعه خود در خصوص نظام جهانی، نقطه نظر و نگاهی مرتبط را مبنی بر لزوم توجه به سایر معیارها به جای برجسب کنونی شهر جهانی با استناد به بررسی دقیق روابط و پیوستگی‌های میان شهرهای جهانی و این که چگونه این الگوها در گذر زمان تغییر می‌کنند، پیشنهاد می‌دهند. آنها با تحلیل شبکه رسمی به واسطه تفسیر داده‌های مربوط به جریان‌های مسافران خطوط هوایی میان شهرهای بزرگ جهانی در شش بازه زمانی، بر تغییرات در ویژگی‌های شبکه در نظام شهر جهانی به خصوص از نظر سلسله مراتب مرکزی و جایگاه‌ها، متمرکز شده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد، اگرچه نیویورک، پاریس، لندن، توکیو و چندین کلانشهر بزرگ از اروپا و امریکا در طول دو دهه بر این سلسله مراتب شهری مسلط هستند، نقش‌ها و جایگاه‌های دیگر مکان‌ها به طور قابل توجهی تغییر کرده و در حال تغییر است. در پژوهشی نزدیک، شبکه‌های خطوط هوایی به منظور ترسیم موقعیت شهرهای آفریقایی در شبکه شهر جهانی، جست‌وجوی ارتباطات درون شهری شهرهای بزرگ آفریقایی و نیز کمک به ادبیات در زمینه جهانی شدن شهرهای آفریقایی مورد توجه قرار گرفته است. این موضوع تأکیدی بر مشخص ساختن الگوهای شهری جهانی بر مبنای پویایی‌های موجود در این نظام، مبتنی بر معیارهای نوین و قابل توجیه است (Smith and Timberlake, 2001, 1656; Otiso et al. 2011, 609).

۵.۴. اتخاذ چارچوب‌هایی برای سنجش اثرات جهانی شدن

«پیزارو» به همراه «وی» و «بنجی» که به «عوامل جهانی شدن»^۳ در شهرهای جهان سوم توجه کرده‌اند، اشاره می‌کنند که شهرها با یکدیگر رقابت می‌کنند تا بازرگانی، صنعت، تحقیقات، سرمایه‌ها، نخبگان، مدیران، هنرمندان و دانشمندان را از یکدیگر بربایند و جذب کنند (Kalhornia, 2009, 117). عده‌ای معتقدند شهرهای رده بالاتر تمایل دارند تا در زمینه‌های مختلف هدایتگر بوده و شهرهای رده‌های پایین، صرفاً دنباله‌رو باشند. این نگرانی در حال روز است که در جهان بدون حد و مرز، ثروت و منابع کشورهای در حال توسعه به دلیل اشتباهات حریصانه مصرف‌انبوه در کشورهای بیشتر توسعه یافته، تهی شده و از میان برود (Pizarro, Wei and Banerjee, 2003, 115, 124-125).

آنها معتقدند، قبل از تدوین هرگونه نظریه باید درصدد یافتن چارچوبی برای سنجش اثرات جهانی شدن بر «فرم شهر» و «شهرگرایی»^۴ در کشورهای در حال توسعه بود. ماهیت جهانی شدن می‌تواند به عنوان جریان‌های آزاد و نامحدود «سرمایه»، «مردم»، «اطلاعات» و «فرهنگ» (به عنوان چهار عامل یا نماینده جهانی شدن) و آثار آنها روی هفت مؤلفه فرم شهری (شهرگرایی، سیما و هویت، سازمان و ساختار فضایی، اکولوژی اجتماعی،

3 Agencies of Globalization

4 Urbanism

به مفهوم توصیف پدیده شهرنشینی از منظر مطالعه شهرها، ماهیت، کیفیت زندگی، آداب و رسوم و رفتارها در شهر نسبت به حومه‌های شهری یا روستاهاست.

1 Global North

2 Islamic Nodes

قلمرو عمومی، سرعت و مقیاس توسعه یافتگی و نیز معماری) تعریف گردد. این ترکیب، کمک می‌کند تا ماتریسی سازماندهی شده برای ترسیم ادبیات مرتبط در حوزه آثار و برآمدهای جهانی شدن در شهرهای کشورهای در حال توسعه به وجود آید. آنها برای این منظور، بر ادبیات حوزه پست مستعمراتی، اقتصاد سیاسی در کشورهای در حال توسعه، تئوری وابستگی، تئوری شهر جهانی، پست مدرنیته و برنامه‌ریزی در کشورهای در حال توسعه، توجه کرده‌اند تا از این طریق، در رابطه با آثار جهانی شدن بر فرم شهری در این کشورها بحث کنند. با این وجود، اظهار می‌کنند که خلأها و محدودیت‌های این چارچوب، قابل انکار نیست و پویش تأثیرات

جهانی بر فرم شهری و شهرگرایی شهرهای کشورهای در حال توسعه، هنوز محدود بوده و به صورت ناهمگون و در ادبیاتی که به زمینه‌های گوناگون وابسته است، قرار دارد. این در حالی است که در زمینه دو عامل یا نماینده اطلاعات و فرهنگ برای جهانی شدن نیز اطلاعات کمتری نسبت به دو مؤلفه دیگر یعنی سرمایه و مردم، در دسترس می‌باشد. با این وجود، می‌توان چارچوب یاد شده را با در نظر گرفتن تفاوت‌ها و تأکیده‌های بیشتر بر ابعاد محلی‌تر، توسعه داده، اصلاح نمود و ارتقا بخشید (Pizarro, Wei and Banerjee, 2003, 111, 126). جدول شماره ۲ ماتریس سازماندهی شده یاد شده را ارائه می‌کند.

جدول ۲: ماتریس سازماندهی شده برای ترسیم ادبیات حوزه آثار جهانی شدن شهرها در کشورهای در حال توسعه

(Pizarro, Wei and Banerjee, 2003, 124)

مؤلفه‌ها	عوامل جهانی شدن		
	سرمایه	مردم	اطلاعات
شهرگرایی	- قطبی شدن (قطبش) موقتی - فضای بی‌زمانی - پویایی‌های درونی	- از دست رفتن هویت محلی	- بی‌مکانی - آگزوپلیس ^۱ - شهر لبه‌ای - کالایی شدن فرهنگ
سیما و هویت	- مدرنیته - سبک زندگی غربی - سبک‌های عاریه‌ای	- جوامع پراکنده - قلمروهای محاصره شده با تبعیدی‌ها و مهاجران - چالش‌های برنامه‌ریزی برای شهر بین‌المللی (جهان شهر) ^۲	- رشد کلیشه‌های فرهنگی جدید - دوگانه و ترکیبی (التقاطی)
سازمان و ساختار فضایی	- سلسله مراتب شهری در حال تغییر - شهرنشینی و فراشهرنشینی ^۳ - کاربری اراضی بیشتر خاص و تفکیک شده - رشد عمودی	- پراکنده رویی شهری - توسعه مسکن	- بی‌مکانی - تمرکز و پراکندگی همزمان - تکه‌تکه شدن فضایی و عدم تداوم - شهر لبه‌ای
اکولوژی اجتماعی	- قطبی شدن و جدایی‌گزینی در حال افزایش	- قطبی شدن و جدایی‌گزینی در حال افزایش	- قطبی شدن در حال افزایش - طبقات اجتماعی - هویت قومی و نژادی
قلمرو عمومی	- بی‌اهمیت شدن فضاها عمومی - گسترش مراکز تجارت در عوض قلمروهای مدنی و عمومی - ارتباط عمومی-خصوصی مبهم - حذف حیات خیابان	- تأکید بر حیات عمومی در قلمرو خصوصی	- جوامع مجازی - شهروند و جوامع کافه اینترنتی
سرعت و مقیاس توسعه یافتگی	- مقیاس بزرگ توسعه - خط آسمان در حال تغییر - درشت دانه شدن بافت شهری (اندازه قطعه، عرض خیابان و...)	- مقیاس بزرگ توسعه به دلیل تقاضای مسکن و خدمات	
معماری (معماری بومی)	- سلطه معماری جدید - کاهش تنوع - مراکز تجارت: به عنوان استفاده نمادین - توسعه مجدد نواحی سنتی و قدیمی	- تنوع در حال افزایش	- فرهنگ مک دونالد - معماری بدون تعلق به تاریخ و فرهنگ - یک‌جورسازی و همجنسی (هموژنیزه شدن) - افزایش تنوع (ولی تجاری سازی برای جذب توریست و...)

شماره بیست و دوم
بهار ۱۳۹۶

فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهر

واکاوی چشم‌انداز شهرهای جهانی در کشورهای در حال توسعه: از نقد روزگدهای مسلط کنونی تا ارائه چارچوب مفهومی جایگزین

3 Exopolis

به مفهوم شهری است که درون و بیرون آن در حال جابه‌جایی است، مرکز شهر مشخصات قبلی را از دست داده و برعکس، پیرامون شهر ویژگی‌های بارز آن را در قالب مراکز بسیاری داراست (مثل مشاغل دفتری، خرده‌فروشی، مراکز فرهنگی و...). این اصطلاح ابداع «ادوارد سوچا» برای توصیف پارادایمی از پراکنده رویی شهری پست مدرن است که مفاهیم سنتی شهری، حومه شهری، فراشهری و غیر شهری را بر هم می‌زند.

4 Cosmopolis

به مفهوم شهر بین‌المللی یا جهان شهر مبنی بر جهان وطنی از اقوام، نژادها و افراد مختلف کنار هم است.

5 Exurbanization

به مفهوم رشد سکونتگاه‌های عمدتاً کم تراکم و شبه روستایی در موقعیتی فراتر از نواحی پیرامونی و حومه شهر است. این اصطلاح گاهی نیز با پیش‌شهرنشینی به مفهوم فرآیند رشد شهری پراکنده که مناظر ترکیبی با ویژگی‌های تکه تکه شهری و روستایی منتج از آن است، معادل گرفته می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

همگام با ظهور شهرهای جهانی یا شواهدی از جهانی شدن شهرها با خاستگاهی متفاوت نسبت به نمونه‌های مقدم، مسلط و مورد تأکید، چالشی معنادار و قابل توجه در زمینه این چشم‌انداز، آثار و نتایج آن، مطرح شده که از دو منظر در حال بررسی و ارزیابی است. نخست، ادبیاتی است که در چارچوب الگوی از پیش شکل گرفته در فرآیند جهانی شدن و شهرهای جهانی به عنوان مراکز درگیر و در عین حال بازتاب دهنده و هدایت کننده آن، این خاستگاه متفاوت را قابل تبیین می‌داند. در مقابل، دغدغه‌ای معنادار با دو مشخصه بارز، یعنی انتقاد نسبت به عدم کفایت استناد به تلقی‌ها و تعابیر فعلی و غالب تئوری شهر جهانی و در عین حال، تأکید بر بازتولید و معرفی چارچوب یا چارچوب‌هایی مفهومی برای پی‌ریزی و طرح دیدگاه‌ها و نظریات جدید مبتنی بر سنجش‌های تجربی نوین " و نه اظهار نظرهای تخمینی و متعاقباً تخمیلی " در حال شکل‌گیری است. این انتقادات مبنی بر عدم کارآمدی سنج‌ها و رویکردهای موجود و به دنبال آن، هدف‌گذاری برای جست‌وجو و جایگزینی الگوهای جدید و کارآمد در زمینه چشم‌انداز شهرهای جهانی در

کشورهای در حال توسعه، در قالب سه محور کلیدی "همچنان که جدول شماره ۳ ارائه می‌کند" مورد شناسایی، دسته‌بندی شده و تبیین قرار گرفت.

نخستین محور به نقدی دیرینه مبنی بر احتمال بی‌اثر بودن دستیابی به مجموعه‌ای تعمیم‌پذیر از نتایج جامع و جهانی اختصاص دارد که بر شهر در حال جهانی شدن نسبت به شهر جهانی یا در مجموع کاربرد این اصطلاح و نقش، ضمن اندیشیدن دقیق در رابطه با دلالت‌ها، مفاهیم و ابعاد مختلف آن تأکید می‌کند. محور دوم، به تعصب حاکم بر ادبیات جهانی شدن و شهرهای جهانی اشاره دارد، بدین معنا که با نوعی تنگ نظری و غرض‌ورزی تلویحی، مبنی بر استناد به نمونه‌هایی محدود یا سازوکارهایی خاص، همواره از همگرایی شهرهای جهانی در کشورهای در حال توسعه در مقابل تنوع‌ها و تفاوت‌هایی که حتی می‌توانند در علل همگرایی وجود داشته باشند، یاد می‌شود. ارائه سرنوشتی ظاهراً محتوم و از پیش تعیین شده و وابسته ساختن کشورهای در حال توسعه مبنی بر حرکت غیر قابل تغییر مراکز شهری عمده آنها در همان خط سیری که اقتصادهای پیشرفته

جدول شماره ۳: چارچوب مفهومی جایگزین برای تحلیل چشم‌انداز شهرهای جهانی در حال توسعه

رهیافت‌های کلیدی برای پاسخ به چالش‌های مطرح	تحلیل انتقادی: نقد ادبیات و الگوی مسلط شهر جهانی
<ul style="list-style-type: none"> تأکید نگرش غالب همگرایی بر شباهت‌ها و غفلت از منابع مهم تفاوت و ریشه‌دار در پویایی‌های فرهنگی، جغرافیایی و سازمانی در زمینه نقش‌ها و موقعیت‌های ساختاری؛ جابه‌جایی از تمرکز روی الگوهای کنونی شهر جهانی به سمت آزمون متقابل میان بازیگران جهانی و محلی و نهادهای؛ شناسایی الگو یا الگوهای جدید برای تحلیل شهر جهانی در کشورهای در حال توسعه براساس پیچیدگی و تنوع ابعاد، آثار و پیامدها؛ 	<p>(۱) احتمال بی‌ثمر بودن دستیابی به مجموعه‌ای تعمیم‌پذیر از نتایج جامع و جهانی</p> <ul style="list-style-type: none"> تأکید بر روزه عمومی‌تر «شهر در حال جهانی شدن» به جای «شهر جهانی»؛ کاربرد «شهر جهانی» ضمن اندیشیدن با دقت در رابطه با دلالت‌ها و مفاهیم این نقش؛ راز کوچک پدید پژوهش شهر جهانی: تکیه بر اظهار نظرهای تخمینی در مقابل عدم بررسی نمونه‌ها و مشاهدات تجربی؛
<ul style="list-style-type: none"> نیاز به الگو و تئوری‌های جدید براساس تجربه شهرها در کشورهای در حال توسعه؛ سنجش و ارزش‌گذاری منابع و عوامل پراهمیت تفاوت‌ها و تنوع‌های ریشه‌دار در پویایی‌های مختلف در عوض پیش فرض مطلق تجربه انگلیسی-آمریکایی به عنوان نقطه عالی و انتهایی؛ ارزیابی واقع‌بینانه فرصت‌ها و تهدیدها به جای غفلت از اولویت‌های درونی، محلی و بومی در مسیر شایستگی برای برجسب جهانی، تعقیب سلسله مراتب بالاتر و ارتقای جایگاه جهانی؛ 	<p>(۲) تعصب حاکم بر ادبیات جهانی شدن و شهرهای جهانی</p> <ul style="list-style-type: none"> فرض دنبال نمودن همان خط سیر نیویورک و لندن توسط شهرهای کشورهای در حال توسعه (همگرایی)؛ هدف‌گذاری ادبیات شهر جهانی عمدتاً براساس تجارب آمریکا، اروپای غربی و سایر کشورهای هسته مرکزی اقتصاد جهانی (شهرهایی در رأس سلسله مراتب)؛ تنگ نظرانه و تقلیل‌گرایانه بودن و پایه غربی یا انگلیسی-آمریکایی ادبیات جهانی شدن و شهر؛
<ul style="list-style-type: none"> ضرورت توجه به مسیرهای پویا و همپیوند با تنوع‌های مبتنی بر شرایط محلی، بازیگران و عملکردهای متفاوت در فرآیند جهانی شدن؛ تأکید بر کارآمد بودن برجسب فعلی شهر جهانی برای قلمروها یا قلمروهای خاص جغرافیایی به جای یک الگوی بین‌المللی، جامع و جهان شمول برای تمامی شهرها؛ لزوم در نظر گرفتن الگوها و معیارهای دیگر آگره‌های اسلامی، موقعیت سازمان‌های غیردولتی، شبکه‌ها و ارتباطات مبتنی بر خطوط هوایی و...؛ 	<p>(۳) عدم کفایت تمرکز بر ابعادی خاص و محدود برای تشریح تمامی نتایج جهانی شدن شهرها</p> <ul style="list-style-type: none"> تأکید بر بخش‌هایی خاص از اقتصاد جهانی در مقابل طرق گوناگونی که شهرها به جریان‌های جهانی پیوند خورده و می‌خورند؛ تأثیرپذیری کمتر شهرهای کشورهای در حال توسعه به وسیله شرکت‌های چند ملیتی و نیز تولیدی خدماتی به دلیل عملکرد آنها در سطوحی پایین‌تر به عنوان مراکز فرماندهی و کنترل؛ گوناگونی شهرها در طرق پیوند با جریان‌های جهانی و نمایش و صدور نظم و آرایش‌های متغیر، تازه و متفاوت نسبت به پیش فرض‌های موجود و مورد تأکید کنونی؛
<ul style="list-style-type: none"> نگرانی از تهی شدن ثروت‌ها و منابع کشورهای در حال توسعه به دلیل اشتباهات حریصانه مصرف‌کننده در کشورهای بیشتر توسعه یافته؛ ضرورت یافتن و بسط چارچوب‌هایی برای سنجش اثرات جهانی شدن بر فرم شهر و شهرگرایی قبل از تدوین هرگونه نظریه یا رویکرد؛ طرح یک ماتریس اولیه و دنبال نمودن آن برای مطالعه تأثیرات جهانی شدن بر کشورهای در حال توسعه؛ 	

در آن گام برداشته، طی کرده و اقتضانات آن را مطابق با جایگاه و احتمالاً مقاصد خویش تعیین می‌کنند، نتیجه چنین رویکرد یا رویکردهایی است. محور سوم، به تقلیل گرایانه بودن تمرکز بر ابعادی خاص و محدود برای تشریح تمامی نتایج و برآمدهای جهانی شدن شهرها در کشورهای در حال توسعه، اختصاص دارد که با ماهیت متنوع شهرها و همچنین شیوه‌ها و آرایش‌های گوناگون پیوند آنها با جریان‌های جهانی، در تضاد قرار دارد.

تمرکز صرف بر شباهت‌هایی که به طور حتم می‌توانند وجود داشته باشند، غفلت نسبت به آزمون، سنجش و ارزش‌گذاری منابع و عوامل بر اهمیت تفاوت‌ها و تنوع‌ها را که ریشه در پویایی‌های مختلف دارند، به دنبال دارد. توجه انحصاری بر عملکردهای مورد تأکید کنونی در زمینه فرماندهی و کنترل و نیز هماهنگی و هدایت، آن هم با ارجاع به تجارب گروه نسبتاً کوچکی از شهرها، تناقضات اساسی را در پی داشته و خواهد داشت. این در حالی است که این مسئله، تهدیدی جدی نیز برای شهرها و مراکز شهری کشورهای در حال توسعه می‌باشد. حرکت جبری و به معنایی شاید کورکورانه و تقلیدی آنها در راستای کسب برچسب مسلط موجود و ارتقای جایگاه جهانی به قیمت فدا کردن منابع و ضرورت‌های داخلی، از آن جمله است. با توجه به وضعیت این مناطق از نقطه نظر ساختار و جایگاه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و همچنین آثار و پیامدهای محتمل جهانی شدن به ویژه در زمینه نابرابری، تضاد و جدایی‌گزینی، عدم اهتمام جدی نسبت به ارزیابی واقع‌بینانه فرصت‌ها و تهدیدها و غفلت از ارزش‌ها و اولویت‌های درونی، محلی و بومی در مسیر شیفتگی برای کسب جایگاه‌های جهانی، می‌تواند آنها را حقیقتاً به بازنده و زیان دیده واقعی تبدیل نماید.

این انتقادات و به دنبال آن رهیافت‌ها و پاسخ‌های لازم برای تعدیل چالش‌های یاد شده با توجه به محورها و ابعاد مطرح در آنها، محصول جهت‌گیری پژوهش در جایگاه مقاله‌ای مروری مبتنی بر نگاهی انتقادی می‌باشد که در قالب چارچوب مفهومی جایگزین برای واکاوی چشم‌انداز شهرهای جهانی در کشورهای در حال توسعه و متعاقباً تحلیل آثار و پیامدهای این جریان، ارائه شده است. بر این اساس، در فرآیند توصیف و تحلیل جهانی شدن شهرهای کشورهای در حال توسعه، مناسب است تا از عمومیت‌هایی مبتنی بر تجربه شهرهای جهانی غرب به سمت الگو یا الگوهای جدید، از طریق اتخاذ چارچوب‌هایی، از جمله چارچوب مفهومی جایگزین پیشنهادی، بر اساس نقش‌ها، جایگاه‌ها و ظرفیت‌های متنوع و در نتیجه ابعاد، آثار و پیامدهای متفاوت حرکت نمود. در مقابل رویکردهای مسلط غربی یا انگلیسی-آمریکایی و چالش‌هایی که به کارگیری مطلق آنها پدید می‌آورد، رهیافت مؤثر در خصوص شهرهای جهانی یا شواهدی از جهانی شدن شهرها در کشورهای در حال توسعه و ارزیابی چشم‌انداز آنها، انجام مطالعات بیشتر در خصوص تعامل میان بازیگران مختلف در هر دو مقیاس جهانی و محلی بر پایه این چارچوب مفهومی جایگزین به واسطه تجارب، شواهد، قراین و مصداق‌ها در زمینه‌های مختلف با استناد به یک نمونه یا دسته‌ای از نمونه‌ها، مبتنی بر ویژگی‌ها و اولویت‌های مقتضی است. بر این اساس انجام پژوهش‌های موردی هدفمند با

انکای بیشتر بر واقعیات تجربی و نه صرفاً پیش فرض‌های نظری، راهبردی کلیدی در تکمیل و تدقیق رهیافت یاد شده بوده که در عین حال، نیازمند ارجاع به داده‌ها و اطلاعات مستند و قابل دفاع به عنوان پیش‌نیازی اساسی برای تشریح جریان‌های موجود یا در حال شکل‌گیری است.

References:

- Azimi, Naser. 2002. Scanning Urbanization and Basics of Urban System. Mashhad: Nika. [In Persian]
- Beaverstock, J. V., P. J. Taylor, and R.G. Smith. 1999. "A Roster of World Cities." *Cities* 16(6): 445-458.
- Beaverstock, J. V., R. G. Smith, P. J. Taylor, D. R. F. Walker, and H. Lorimer. 2000. "Globalization and World Cities: Some Measurement Methodologies." *Applied Geography* 20: 43-63.
- Castells, Manuel. 1989. *The Informational City: Information Technology, Economic Restructuring, and the Urban-Regional Process*. Oxford: Blackwell.
- Chubarov, Ilya, and Daniel Brooker. 2013. "Multiple Pathways to Global City Formation: A Functional Approach and Review of Recent Evidence in China." *Cities* 35: 181-189.
- Creswell, John W. 2009. *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches*. London: Sage.
- Davis, Diane E. 2005. "Cities in Global Context: A Brief Intellectual History." *International Journal of Urban and Regional Research* 29(1): 92-109.
- Fainstein, Susan S. 1995. "Politics, Economics, and Planning: Why Urban Regimes Matter." *Planning Theory* 14: 34-41.
- Flusty, Steven. 2004. *De-Coca-Colonization: Making the Globe from the Inside Out*. London: Routledge.
- Friedmann, John. 1986. "The World City Hypothesis." *Development and Change* 17(1): 69-83.
- Friedmann, John. 1995. "Where We Stand? A Decade of World City Research." In *World Cities in a World-System*, Edited by P.L. Knox and P.J. Taylor, 21-47. Cambridge: Cambridge University Press.
- Grant, Richard, and Jan Nijman. 2002. "Globalization and the Corporate Geography of

- Geography 31: 609-620.
- Pani, Narendar. 2009. "Resource Cities across Phases of Globalization: Evidence from Bangalore." *Habitat International* 33: 114-119.
 - Pizarro, Rafael E., Liang Wei, and Tridib Banerjee. 2003. "Agencies of Globalization and Third World Urban Form: A Review." *Journal of Planning Literature* 18(2): 111-130.
 - Rezazadeh, Raziieh, and Ali Asgar Badri. 2004. "The Impact of Globalization on Role and Function of Municipalities." Paper presented at the Municipalities Congress on Urban Economics, Tehran, June 15-16. [In Persian]
 - Robinson, Jennifer. 2002. "Global and World Cities: A View From off the Map." *International Journal of Urban and Regional Research* 26(3): 531-554.
 - Sassen, Saskia. 1991. *The Global City: New York, London, Tokyo*. Princetown: Princetown University Press.
 - Sassen, Saskia. 1998. *Globalization and its Discontents*. New York: The New Press.
 - Sassen, Saskia. 2001. "Global Cities and Developmentalist States: How to Derail What Could be an Interesting Debate? A Response to Hill and Kim." *Urban Studies* 38(13): 2537-2540.
 - Shatkin, Gavin. 1998. "Fourth World Cities in the Global Economy: The Case of Phnom Penh, Cambodia." *International Journal of Urban and Regional Research* 22(3): 378-393.
 - Shatkin, Gavin. 2007. "Global Cities of the South: Emerging Perspectives on Growth and Inequality." *Cities* 24(1): 1-15.
 - Short, John Rennie. 2003. *The Urban Order: An Introduction to Cities, Culture, and Power*. Translated by Esmaeil Chavoushi. Tehran: Kharazmi University. [In Persian]
 - Short, John Rennie, and Yeong-Hyun Kim. 2007. *Globalization and the City*. Translated by Ahmad Pour Ahmad and Shayan Rostami. Tehran: Academic Center for Education, Culture and Research (ACECR). [In Persian]
 - Smith, David A. 1996. *Third World Cities in Global Perspective*. Boulder: Westview Press.
 - Smith, David A. 2005. "The World Urban Hierarchy: Implications for Cities, Top to Bottom." *Brown Journal of World Affairs* 11(2): 45-55.
 - Cities in the Less-developed World." *Annals of the Association of American Geographers*, 92 (2): 320-340.
 - Hall, Peter G. 1966. *World Cities*. New York: McGraw-Hill.
 - Hill, Richard Child. 2004. "Cities and Nested Hierarchies." *International Social Science Journal*, 56(181): 373-384.
 - Kalthornia, Bijan. 2009. "Transition through the Crisis of Globalization in Third World Cities." *Abadi* 63: 116-121. [In Persian]
 - Keivani, Ramin. 2009. "Globalization and Urban Competitiveness in the Cities of Developing Countries: Challenges and Opportunities for Municipal Authorities." *Urban Economy (Eghtesad-E-Shahr)* 1: 40-67. [In Persian]
 - Lemanski, Charlotte. 2007. "Global Cities in the South: Deepening Social and Spatial Polarization in Cape Town." *Cities* 24(6): 448-461.
 - Logan, John R. and Harvey A. Molotch. 1987. *Urban Fortunes: The Political Economy of Place*. Berkeley: University of California Press.
 - Mahoney, Colleen. 1997. "Common Qualitative Methods." In *User-Friendly Handbook for Mixed Method Evaluations*, Edited by Joy Frechtling and Laure Sharp, 3-1-3-20. Darby: Diane Publishing Co.
 - Marcuse, Peter, and Ronald van Kempen. 2000. "Conclusion: A New Spatial Order." In *Globalizing Cities: A New Spatial Order*, Edited by P. Marcuse and R. van Kempen. 249-275. London: Blackwell.
 - Marcuse, Peter. 1997. "The Enclave, the Citadel, and the Ghetto: What Has Changed in the Post-Fordist U.S. City." *Urban Affairs Review* 33(2): 228-264.
 - Mollenkopf, John H. and Manuel Castells. 1991. *Dual City: Restructuring New York*. New York: Russell Sage Foundation.
 - Olds, Kris, and Henry Wai-Chung Yeung. 2004. "Pathways to Global City Formation: a View from the Developmental City-State of Singapore." *Review of International Political Economy* 11 (3): 489-521.
 - Otiso, Kefa M., Ben Derudder, David Bassens, Lomme Devriendt, and Frank Witlox. 2011. "Airline Connectivity as a Measure of the Globalization of African Cities." *Applied*

- Smith, David A., and Michael F. Timberlake. 2001. "World City Networks and Hierarchies, 1977-1997: An Empirical Analysis of Global Air Travel Links." *American Behavioral Scientist* 44(10): 1656-1678.
- South African Cities Network (SACN). 2006. *State of the Cities Report 2006*. Braamfontein: SACN.
- Taylor, Peter J. 2000. "World Cities and Territorial States under Conditions of Contemporary Globalization." *Political Geography* 19: 5-32.
- Timberlake, Michael, Yehua D. Wei, Xiulian Ma, and Jianmei Hao. 2014. "Global Cities with Chinese Characteristics." *Cities* 41(B) 162-170.
- UN-Habitat. 2013. *State of the World's Cities 2012/2013: Prosperity of Cities*. New York: Routledge.
- UN Habitat, 2016. *World Cities Report 2016: Urbanization and Development - Emerging Futures*, Nairobi: United Nations Human Settlements Programme.
- White, James W. 1998. "Old wine, cracked bottle? Tokyo, Paris, and the global Cities hypothesis." *Urban Affairs Review* 33(4), 451-477.

